

The Relationship between Reflexivity Gender Identity and Women's Fertility: A Study among Married Women in Urban Areas of Kashan County, Iran

Ahmad Dorahaki^{1*}, Masoumeh Akhawan Armaki², Shirin Ahmadnia³

Abstract

The expansion of modernity and globalization has led to the diversity of identity sources and reflexivity of identities of the past among women. The method of this research is survey and by selecting 385 married women aged 18-44 years in urban areas of the city of Kashan by the multi-stage cluster sampling method. The results of this research indicate that in all dimensions of gender identity studied except for maternal identity and body image management, the average score of women is higher than the expected average. Multivariate analysis showed among all the attitude variables related to the reflexivity identity, only the attitude toward maternal identity had an effect on women's fertility; The fertility of the studied women decreases as it become more modern. Also, the results of the path analysis indicated the mediating and central role of maternal identity in the indirect effect of some other gender identity variables on fertility. This issue highlights the importance of the attitude towards maternal identity. Since women don't summarize their identity as in the past in family, the motherhood role and having children, it is recommended that expansion of facilities and support programs for mothers and reduction of conflicts between the motherhood role and other sources of new identity of women such as employment and education should be placed on the agenda of population policies.

Keywords: Fertility, Gender identity, Gender attitude, Reflexivity, Kashan.

Received: 2022-12-01

Accepted: 2023-02-15

1. Assistant Professor, Department of Demography, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author); adorahaki@atu.ac.ir
2. Master of Demography, Allameh Tabataba'i University University, Tehran, Iran; m.akhavan.a@gmail.com
3. Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran; shirin.ahmadnia@gmail.com

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1986348.1260>

رابطه هویت جنسیتی بازاندیشانه با رفتار باروری: مطالعه‌ای در میان زنان دارای همسر مناطق شهری شهرستان کاشان

احمد دراهکی^{۱*}، معصومه اخوان ارمکی^۲، شیرین احمدنیا^۳

چکیده

گسترش مدرنیته و جهانی‌شدن، به تنوع منابع هویت‌ساز و بازاندیشی در هویت‌های پیشین در بین زنان منجر شده است. روش این پژوهش، پیمایش و داده‌های تحقیق، با انتخاب ۳۸۵ نفر از زنان همسر دار ۱۸-۴۴ سال در نقاط شهری شهرستان کاشان براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای گردآوری شده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که در تمامی ابعاد هویت جنسیتی مورد مطالعه به جز متغیرهای هویت مادری و مدیریت ظاهر بدن؛ میانگین نمره زنان بالاتر از میانگین مورد انتظار بوده است. تحلیل چندمتغیره نشان داد که از بین تمامی متغیرهای نگرشی هویت بازاندیشانه، تنها نوع نگرش به هویت مادری بر رفتار باروری زنان اثرگذار بود؛ به گونه‌ای که به موازات مدرن‌تر شدن آن، باروری زنان مورد مطالعه کاهش می‌یابد. همچنین نتایج تحلیل مسیر، بیانگر نقش واسطه‌ای و محوری هویت مادری در اثرگذاری غیرمستقیم برخی از متغیرهای هویت جنسیتی بر رفتار باروری بود. این یافته ضرورت توجه به هویت مادری را دوچندان می‌کند. از آنجایی که زنان هویت خود را همچون گذشته در خانواده، نقش مادری و فرزنددار شدن خلاصه نمی‌کنند؛ توصیه می‌شود گسترش تسهیلات و برنامه‌های حمایتی از مادران و کاهش تعارضات بین نقش مادری با سایر منابع هویت‌ساز جدید زنان مانند اشتغال و تحصیلات در دستور کار سیاست‌های جمعیتی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: باروری، هویت جنسیتی، نگرش جنسیتی، بازاندیشی، کاشان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

۱ استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): adorahaki@atu.ac.ir

۲ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: m.akhavan.a@gmail.com

۳ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: shirin.ahmadnia@gmail.com

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1986348.1260>

مقدمه و بیان مسئله

رشد جمعیت هر کشور، تأثیر بسزایی بر توسعه و ثبات اقتصادی آن دارد. امروزه بسیاری از کشورهای جهان با کاهش چشمگیری در سطح باروری و به تبع آن کاهش آهنگ رشد جمعیت نسبت به دهه‌های گذشته، روبرو شده‌اند. براساس داده‌های بانک جهانی، میزان باروری کل جهانی در سال ۲۰۱۹ به‌ازای هر زن ۲/۴ فرزند بوده که تقریباً نیمی از آنچه است که در سال ۱۹۵۰ (۴/۷) بوده است (World Bank 2021). میزان باروری کل ایران نیز که تا دهه ششم قرن چهاردهم در سطح بالای حدود ۶/۵ فرزند قرار داشت، از دهه ۱۳۷۰ با شتاب چشمگیری رو به کاهش گذاشته و در سال ۱۳۹۵ به ۲/۰۱ فرزند رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در گزارش‌های جدید کارشناسان مرکز آمار ایران، میزان باروری کل برای سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب برابر ۲/۰۷، ۱/۹۷، ۱/۷۷ و ۱/۷۱ برآورد شده و همچنان روند کاهنده داشته است (فتحی، ۱۳۹۹)؛ بنابراین طبق آمارهای رسمی می‌توان گفت ایران در طی حدود ۴ دهه اخیر با کاهش حدود ۳/۵ برابری میزان باروری کل، نسبت به اوایل دهه ۱۳۶۰ مواجه شده است.

تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نشان از ورود ایران به مرحله‌ی جدیدی در تغییرات جمعیتی، پس از تجربه کاهش سطح باروری دارد. مشخصه اصلی این دوره‌ی جدید، نه تنها افزایش رشد سالانه جمعیت نیست؛ بلکه کاهش مداوم و مستمر سطح باروری به زیر حد جانشینی است. باروری در سطح کلان تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در سطح خرد متأثر از گرایش‌ها، تفکرات و تمایلات افراد است (Mitchell and Gray 2007). مسئله تحقیق از آنجا شروع می‌شود که زنان یکی از مهم‌ترین سوزده‌های تحول‌آفرینی در ساختار خانواده و کارکردهای مورد انتظار آن از جمله فرزندآوری، به شمار می‌آیند. جایگاه و نقش اجتماعی، نوع تلقی، باورها و نگاه ارزشی آن‌ها نقش مهمی در این زمینه دارد. تحولات اخیر جوامع مدرن، چه در عرصه‌های ساختاری و چه در زمینه‌های فرهنگی و گسترش نوگرایی در عرصه جهانی، به تنوع و تعدد منابع هویت‌ساز و بحران هویتی در میان بسیاری از اقشار جامعه، از جمله زنان دامن زده است (ساروخانی و رفعت‌جاه ۱۳۸۳).

برخی از جامعه‌شناسان از واژه مدرنیته متأخر برای توصیف دوران معاصر استفاده می‌کنند. مشخصه اصلی این دوران قطع پیوندهای سنتی و دگرگونی در زمینه‌های مختلف است. یکی از این زمینه‌ها، مقوله هویت است که با پیچیدگی خاصی در جامعه در حال گذار ایران روبروست. در عصر حاضر، مسئله هویت‌یابی زنان و دختران به یکی از بنیادی‌ترین درگیری‌های سنت و مدرنیته، در جوامع به‌ویژه در حال گذار از سنتی به مدرنیته بدل شده است (سحابی ۱۳۸۹). از نظر آنتونی گیدنز^۱ (۱۳۹۲)، ساخت خود به‌عنوان یک طرح بازاندیشانه، بخش اساسی بازاندیشی مدرنیته را می‌سازد. وی معتقد است امروزه هویت‌ها، داده‌های ثابت از پیش تعیین شده نیستند؛ بلکه به شکلی نوظهور و بازاندیشانه برساخته می‌شوند. فرایند جهانی شدن با خود عرضه انبوه منابع فرهنگی هویت، قابلیت و امکان بی‌پایان هویت‌سازی را باتکیه بر رهاکردن امور اجتماعی از قیدوبندهای مختلف، فراهم آورده است. به عقیده ریچارد جنکینز^۲ (۱۳۸۱)، جنسیت آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود و قطعاً هویتی جمعی نیز هست.

در دهه‌های اخیر، ساختارهای سنتی خانواده که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی بود، به دنبال اشتغال، آموزش و آگاهی زنان، مسئله‌مند و پرسش‌برانگیز شده است. هویت‌یابی که پیش از این تحولات، در چارچوب سنت و نظام‌های معنایی مشخص نهادهای دینی، اجتماعی و سیاسی شکل می‌گرفت و عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتصابی به‌ویژه جنسیت بود؛ با افزایش عرضه انبوه منابع فرهنگی، اجتماعی هویت آفرین مدرنیته، گسترش روابط، استقلال نسبی زنان در خانواده و تعلقات گروهی، صورتی فعالانه و غالباً آگاهانه و بازاندیشانه به خود می‌گیرد (ساروخانی و رفعت‌جاه ۱۳۸۳). با دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و افزایش آگاهی از شیوه‌های نوین زندگی، زنان به‌عنوان گروهی که هویتشان در ارتباط با خانواده و کلیشه‌های جنسیتی سنتی تعریف شده است، بیشتر در معرض فرهنگ‌های گوناگون و تأثیرپذیری از آن‌ها قرار گرفته و همین موضوع آن‌ها را به سوی بازاندیشی در هویت‌های جنسیتی گذشته سوق

1 Anthony Giddens

2 Richard Dale Jenkins

می‌دهد (طالبی ۱۳۹۵). انتخاب الگوهای پوشش خارج از عرف و موضوعاتی نظیر توجه به ظاهر و جراحی‌های زیبایی، گذران وقت بیشتر برای انجام امور شخصی و... حاکی از بازاندیشی در خویشتن زنانه و ابزاری برای نمایش هویت جنسیتی زنان است.

تغییر در «نگرش‌های جنسیتی» به منزله مسئله و موضوعی قابل توجه در ارتباط با تصمیمات باروری خانواده‌ها در تعدادی از مطالعات دو دهه اخیر مطرح شده است. بررسی پیشینه برخی از این پژوهش‌ها (رزاقی نصرآباد، حسینی چاووشی و عباسی شوازی، ۱۴۰۰؛ دراهکی و نوبخت ۱۳۹۹؛ خلج‌آبادی فراهانی ۱۳۹۶؛ Golmakani et al. 2015) نشان می‌دهد این پژوهش‌ها بیشتر با رویکرد سنجش ارتباط متغیرهای نگرش به نقش‌های جنسیتی و تقسیم‌کار جنسیتی با رفتار باروری یا قصد فرزندآوری انجام شده است، اما مطالعات کمتری در مورد سازوکار اثرگذاری تغییرات و بازاندیشی‌های صورت گرفته در نگاه به برابری جنسیتی در بخش‌های خصوصی و عمومی (کلشه‌های جنسیتی)، گرایش به برابری طلبی جنسیتی، نگاه به هویت مادری و مفاهیمی چون مدیریت بدن بر کنش باروری زنان، انجام شده است. از این رو به نظر می‌رسد مطالعات موجود نتوانسته‌اند، توصیف و تبیین جامعی از بازاندیشی‌های صورت گرفته در نگرش‌های جنسیتی زنان عصر حاضر در ارتباط با کنش باروری آنان در ایران ارائه دهند و خلا مطالعاتی با این رویکرد در بحث نگرش‌های جنسیتی مشهود است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوال وضعیت بازاندیشی در شاخصه‌های هویت جنسیتی و چگونگی سازوکار آن بر رفتار باروری زنان ایرانی ۱۸-۴۴ ساله همسر دار مناطق شهری شهرستان کاشان می‌باشد.

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش احمدی و دیگران (۱۳۹۸) نشان داد که زنان به کم‌فرزندی بازاندیشانه روی آورده‌اند و این موضوع در کنار تأثیر مستقیم بر گرایش‌ها و آرمان‌های باروری آنان، به‌عنوان واسطه‌ای در اثرگذاری غیرمستقیم سایر متغیرهای مطالعه نیز عمل می‌کند. یافته‌های برخی مطالعات کیفی (چمنی، مشفق و شکرپیگی ۱۳۹۴؛ محمودیان و رضایی، ۱۳۹۱) از تحلیل روایت

زنان از درک و تصور آنان از باروری، به درون‌مایه «فرزندآوری به‌مثابه کنش بازاندیشانه» منتهی گردید. به‌عبارتی زنان در کم‌فرزندآوری خود بیش‌از هرچیزی، به دنبال حمایت از خود به‌عنوان زن و شکوفایی توانمندی‌های خودشان هستند. مطالعه احمدنیا و دیگران (۱۳۹۶) بر نقش تحصیلات تکمیلی در ایجاد تفاوت در حوزه هویت‌یابی و آرمان‌گرایی در بین دو نسل دختران و مادران ساکن در شهر تهران، تاکید دارد. در بحث هویت‌پذیری، دختران مورد مطالعه هویت خود را مستقل از خانواده می‌دیدند و خود را بیشتر با کارشان تعریف می‌کردند، در صورتی که مادران آنان، زن ایده‌آل را محدود به خانه و خانواده می‌بینند. فرشادی و وثوقی (۱۳۹۹) با هدف دست‌یافتن به درکی از محتوا و معنای مادری در تجربه زیسته سه نسل از زنان، نشان دادند که چگونه معنایابی مادری، در فرایندی پیوسته با رخداد‌های اجتماعی از طریق صورت‌بندی مفاهیم جدید موجب تغییر نگرش و ارزش می‌شود و ارزش‌های جدیدی از فرزندآوری به واسطه تغییر در نگرش مادران در حال صورت‌بندی است. زنان با حصول آگاهی و شناخت از بدن، درگیر بازنشاسی در نگرش به فرزندآوری به‌عنوان یک مقوله ارزشی شده و در این صورت‌بندی جدید از ارزش فرزندآوری، مرحله دیگری از معنایابی مادری بر ساخته می‌شود.

پیشینه مطالعات در حیطه موضوعی مباحث جنسیتی نشان داد که یکسری از مطالعات پیشین با هدف سنجش مستقل تأثیر شاخصه‌های هویت جنسیتی از قبیل نگرش به نقش‌های جنسیتی، برابری طلبی جنسیتی و نحوه تقسیم‌کار خانگی و مدیریت بدن بر تمایلات، نیت و رفتار باروری و یکسری دیگر در قالب بررسی اثرگذاری این مولفه‌ها در کنار دیگر عوامل تأثیرگذار انجام شده بودند. یافته‌های مطالعه حمیدی‌فر و دیگران (۱۳۹۵) بیانگر رابطه متغیرهای افول ارزش‌های سنتی و آزادی انتخاب در بین زنان با کاهش باروری آنان است. نتایج پژوهش فروتن و کرمی (۱۳۹۵) بر روی تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران، نشان داد که تفاوت‌ها در زمینه تمایلات فرزندآوری به طور قابل‌توجهی به نحوه نگرش جنسیتی مانند نگرش به الگوی سنتی مرد نان‌آور خانواده و اشتغال زنان بستگی دارد. گل‌مکانی و دیگران (۲۰۱۵) در تعیین

ارتباط بین نقش جنسیتی با نرخ باروری زنان مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر مشهد، به بررسی تأثیر این موضوع در قالب دو متغیر کلیشه‌های جنسیتی و برابری طلبی جنسیتی پرداختند. تحلیل داده‌ها بیانگر رابطه مثبت بین پذیرش کلیشه جنسیتی و نرخ باروری و رابطه معکوس بین برابری طلبی جنسیتی و نرخ باروری افراد مطالعه بود. در همین راستا مطابق با یافته‌های مطالعات (رفیعی‌مقدم و آشتیانی ۱۳۹۹؛ احمدی، فیضی و کریمی ۱۳۹۸؛ سروش و بحرانی ۱۳۹۲) نگرش منفی به نقش‌های جنسیتی سنتی زنان و گرایش آنان به برابری جنسیتی بین زن و مرد به‌ویژه در نهاد خانواده، از عوامل مؤثر بر کاهش تمایلات و رفتار باروری زنان می‌باشد. در تحقیق عباسی‌شوازی و اسمعیلی (۱۴۰۰) به منظور رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر باروری از دیدگاه خبرگان علمی، در بین زیر شاخصه‌های مؤثر بر باروری، تقسیم‌کار برابر بین زن و مرد در خانواده رتبه اول را کسب نمود.

بر طبق نتایج تحقیق خلج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۶) ترجیحات باروری در زنان و مردانی که نگرش‌های جنسیتی سنتی داشتند، به‌طور معناداری بیشتر از افراد با نگرش‌های جنسیتی مدرن است. همچنین زنانی که همسران آنها و یا خودشان سهم مهمی در کارهای منزل ایفا می‌کردند، ترجیحات باروری بیشتری داشتند. یافته‌های مطالعات (Sobot 2019؛ Lappegard et al 2021) به‌منظور بررسی اثرگذاری نگرش نقش جنسیتی در دو حوزه‌ی عمومی و خصوصی بر نیت و رفتار باروری حاکی از اهمیت بیشتر نگرش جنسیتی حوزه خصوصی نسبت به حوزه عمومی است. مدل‌های جنسیتی در خانواده و نقش‌های جنسیتی در فرزندپروری، عوامل مهمی در الگوی باروری فعلی افراد مطالعه بودند. نتایج تحقیقات (Miettinen et al. 2011)؛ شمس‌قهفرخی (۱۳۹۴) مؤید وجود رابطه‌ی U شکل بین نگرش‌های جنسیتی و نیت باروری زنان و مردان بود؛ آن‌گونه که هم نگرش‌های سنتی و هم برابرخواهانه در مقایسه با نگرش‌های بینابینی،

قصد فرزندآوری را افزایش می‌دهند. یافته‌های تحقیق آرپینو و دیگران^۱ (۲۰۱۵) نیز همین موضوع را در سطح کلان و بر روی ۲۷ کشور اروپایی تایید نمود. این رابطه منحنی خطی با تفاوت در نگرش بین مردان و زنان تعدیل می‌شود. هرزمانی که توافق زوجین بیشتر باشد، تأثیر نگرش‌های برابری جنسیتی بر باروری تقویت می‌شود. بنابراین به زعم محققان هر اثر مثبت بر باروری، نه تنها نیاز به سطوح بالایی از نگرش‌های برابر جنسیتی دارد؛ بلکه به همگرایی نگرش بین مردان و زنان نیز نیاز دارد.

یافته‌های تحقیقات (رزاقی نصرآباد، حسینی‌چاووشی و عباسی‌شوازی، ۱۴۰۰؛ شمس قهفرخی، ۱۳۹۴؛ Yoon 2016; Dommermuth et al. 2013) نشان دادند که زنان با نگرش جنسیتی برابرطلبانه‌تر که خود به تنهایی عهده‌دار انجام کارهای خانگی هستند، با فاصله طولانی‌تری فرزند دوم یا فرزندان بعدی خود را به دنیا می‌آورند و داشتن نگرش‌های جنسیتی برابری طلبانه‌تر در زنان، تا زمانی که با مشارکت مردان در نگهداری فرزندان و انجام امور خانگی همراه نباشد، منجر به کاهش باروری می‌شود. یافته‌های تحقیقات (دراهمکی و نوبخت ۱۳۹۹؛ مدیری ۱۳۹۶؛ قدرتی و دیگران ۱۳۹۲) نیز در تایید این موضوع، نشان دادند که در خانواده‌های با ساختار برابری طلبانه‌تر، احتمال قصد فرزندآوری بالاتر است. عدم تحقق برابری در نهاد خانواده همزمان با گسترش عقاید برابری خواهانه در نهادهای فردمحور، به ناچار زنان را مجبور به کاهش تعداد باروری برای رسیدن به سایر اهداف‌شان می‌کند. یافته‌های تحقیق ژو^۲ (۲۰۱۷) حاکی از عدم تایید تأثیر مستقیم مادری یا اشتغال بر نگرش زنان نسبت به تقسیم‌کار سستی دارد و طبق نتایج تنها زمانی نگرش‌های جنسیتی تغییر می‌کند که وضعیت مادری و شغلی به‌طور مشترک در نظر گرفته شود.

1 Arpino et all

2 Zhou

مک‌کویلان و دیگران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط پذیرش هویت با نیت باروری پرداختند. در این مطالعه از داده‌های بررسی نظرسنجی ملی موانع باروری مبتنی بر جمعیت در زنان سنین ۲۵ تا ۴۵ سال ایالات متحده استفاده شد. مطابق با یافته‌ها، نگرش‌های جنسیتی بالاتر با نیت باروری پایین‌تر و بالارفتن سطح اهمیت مادری با نیت باروری بالاتر همراه بود. همچنین یافته‌ها نشان داد هویت مادری واسطه ارتباط نیت باروری با همبسته‌های جمعیتی و اجتماعی نیت باروری مانند نگرش‌های جنسیتی، ارزش دادن به اوقات فراغت، ارزش دادن به شغل، دینداری و پیام‌های باروری خانواده بود. نتایج مطالعات اخیر نیز (رفیعی‌مقدم و آشتیانی ۱۳۹۹؛ تقوایی‌فرد، کریمی و کرامت‌اله ۱۳۹۹؛ محمودیان، کوچانی و مقدس ۱۳۹۴) بر این موضوع صحنه گذاشته شده و نشان‌دهنده تأثیر توجه زنان به مدیریت بدن به‌ویژه در بعد ظاهر بر رفتار باروری آنان است؛ به‌گونه‌ای که هرچه زنان توجه بیشتری به ظاهر خود پیدا کنند، باروری آن‌ها کمتر می‌شود. نگاه به مطالعات پیشین، بیانگر خلا پژوهشی در زمینه بررسی ارتباط و سازوکار بین بازانندیشی در شاخصه‌های هویت‌جنسیتی و به‌ویژه در همزمانی حضور آن‌ها بر رفتار باروری زنان است، لذا پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی این موضوع بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری تحقیق حاضر با توجه به اهداف پژوهش در قالب بیان نظریه‌های ایده‌ای - ارزشی اینگلهارت و گذار دوم جمعیتی و همچنین آرای گیدنز در بحث تشریح هویت و مفهوم بازانندیشی ارائه می‌شود. نظریات ارزشی تبیین‌کننده باروری بر نقش عوامل ذهنی (تغییرات نگرشی - ارزشی) مرتبط با خانواده و تغییر شیوه زندگی پس از صنعتی‌شدن جوامع تأکید دارند.

نظریه گذار دوم جمعیتی: یکی از مهم‌ترین نظریات توصیف‌کننده دگرگونی‌های اتفاق افتاده در نیت و رفتار باروری زیر سطح جایگزینی، تئوری گذار دوم جمعیتی است. این نظریه اساساً

معطوف به ویژگی‌های خانواده در عصر نوین بوده و سبب گسترش ظهور اشکال جدید خانواده، به‌عنوان «گذار خانواده» نیز تلقی شده‌است. طبق نظر صاحب‌نظران این تئوری، الگوی باروری در دوران گذار صرفاً یک امر اقتصادی و محاسباتی نبوده؛ بلکه این گذار همراه با تغییر نگرش و ارزش‌ها نسبت به امر جهانی‌شدن است که در غرب رخ داده است (Lesthaeghe, 2010). دگرگونی‌های ناشی از گذار خانواده یا همان گذار جمعیتی دوم در ایران نیز بر روش زندگی همه افراد و به صورت خاص‌تر زنان تأثیرگذار بوده است. تغییرات ساختاری جامعه ایران به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و نظام هنجاری، سبب گسترش آزادی‌های فردی، افزایش سهل‌انگاری‌ها در خانواده و جامعه و برهم خوردن شکل تقسیم‌کار جنسیتی درون منزل شده است. در این‌بین زنان جامعه، با گذر از ارزش‌های جامعه‌محور معطوف به نیازهای اولیه، به ارزش‌های فردمحور معطوف به نیازهای ثانویه مانند خودشکوفایی و فردگرایی، آموزش، مدیریت بدن و پرهیز از تحمل مشکلات و سختی‌های فرزندآوری، روی آورده‌اند. به نظر می‌رسد زنان تحت تأثیر این شرایط جدید، ابتدا موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را بهبود می‌بخشند و بعد از آن تمایل و قصد فرزندآوری برای آنان شکل می‌گیرد به طوری که در ارزش‌گذاری عناصر زندگی برخی زنان، فرزند در مقایسه با فرصت‌های اشتغال و آموزش آنان، اولویت یا ارزش کمتری دارد (کاوه‌فیروز و دیگران ۱۴۰۰).

نظریه تغییر ارزشی رونالد اینگلهارت: رونالد اینگلهارت نظریه دگرگونی ارزش‌ها را به منظور تبیین چگونگی تغییر و تحولات فرهنگی، ارزشی جوامع و در نهایت تغییر ارزش‌های خانواده مطرح نمود. در این نظریه ارزش‌ها به دو دسته مادی (سنتی) و فرامادی (مدرن) تقسیم می‌شوند. اینگلهارت، به تغییر ارزش‌های سنتی به ارزش‌های پسامادی و تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی، آزادی خودبیانگری و کیفیت زندگی در جوامع پیشرفته صنعتی اشاره دارد

که به نوبه خود متأثر از توسعه اقتصادی- اجتماعی به‌ویژه افزایش سطح تحصیلات بعد از جنگ دوم جهانی است. این تئوری، حرکت از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی را به‌طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط نامنی اقتصادی، به‌سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. این امر به‌روشنی بیانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی فرهنگی، ارزشی است (Inglehart 1971). مطابق با این نظریه، تمام جوامع ماقبل صنعتی هدف اصلی زنان را تولد و نگهداری از کودک عنوان می‌کردند و بر آن تأکید داشتند؛ اما پیدایش جامعه فراصنعتی و افزایش سطح تحصیلات و آزادی در ورود به بازار کار، عاملی شده تا افراد استعداد‌های‌شان را در جهت تصمیم‌گیری مستقل به کار گرفته و جامعه را به سمت خودابزاری ببرند (اینگلهارت ۱۳۷۳).

دیدگاه آنتونی گیدنز در بحث هویت و مفهوم بازاندیشی: هویت تعریف هر شخص از خودش است که در ارتباط متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در طول زندگی به‌طور مداوم در حال ایجاد و تغییر است (گیدنز ۱۳۹۲). در بحث ابعاد هویت، صحبت از دو بعد «شخصی» و «اجتماعی» شده است. برخی صاحب‌نظران این دو بعد را جدا از یکدیگر، برخی دیگر عملاً هر دو را یکی و عده‌ای نیز هویت شخصی را جزیی از هویت جمعی در نظر گرفته‌اند. آنتونی گیدنز تمایز بین هویت شخصی و اجتماعی را تمایزی تحلیلی می‌داند که میان آن‌ها پیوند تنگاتنگی وجود دارد. او هویت شخصی یا «خود» را به‌عنوان الگویی برای فهم همه هویت‌های دیگر در نظر گرفته است. گیدنز، بخش زیادی از هویت‌یابی جنسیتی را نیز به فرایند جامعه‌پذیری ارتباط می‌دهد. وی جنسیت و هویت‌های زنانه و مردانه را سازه‌ای فرهنگی و مجموعه‌ای از «الگوهای رفتاری یاد گرفته‌شده» حاصل از یادگیری اجتماعی و جزیی از هویت اجتماعی می‌داند (گیدنز ۱۳۷۸).

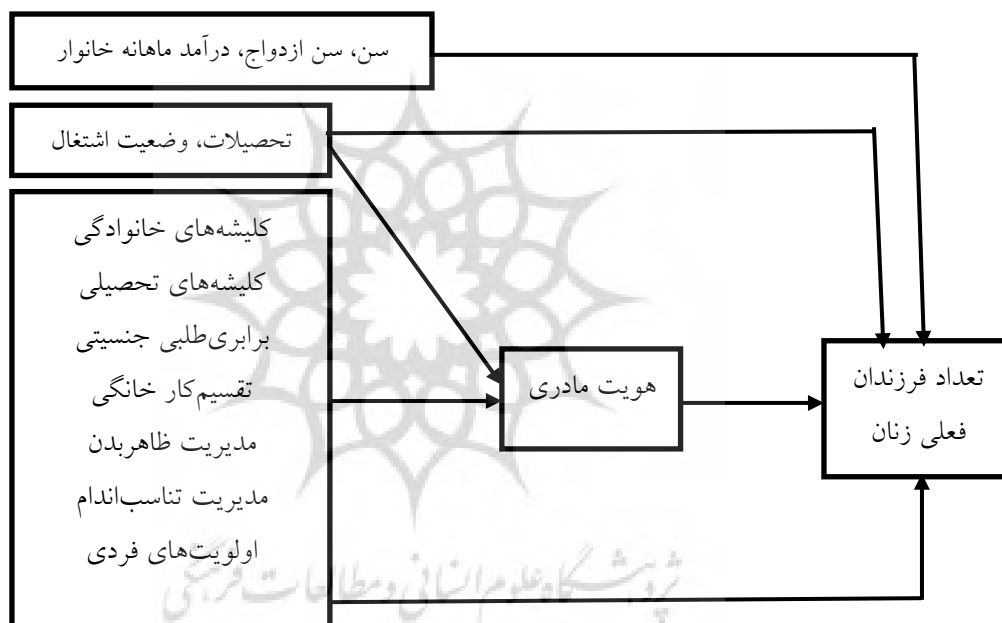
گیدنز در زمینه هویت به تأثیرات «تجدد و جهانی‌شدن» بر هویت پرداخته و معتقد است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی‌شدن در دوران اخیر، دو قطب دیالکتیک محلی و

جهانی تشکیل داده‌اند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۵۶) به عقیده وی، انسان عصر جدید با قرار گرفتن در فضاهای مدرن اقدام به تأمل و بازناندیشی در مفاهیم سنتی و معمول گذشته می‌کند. مراد از مفهوم «بازاندیشی» از نظر گیدنز، فرایند تعریف و بازتعریف خود به وسیله تأمل درباره‌ی مسیرهای ممکن و روبروی زندگی است (گیدنز ۱۳۹۲). گیدنز معتقد است بازناندیشی امری مداوم و فراگیر است. از نظر وی بازتابندگی دوران تجدد علاوه بر جامعه تا اعماق و ژرفای «خود» یا همان «هویت شخصی» آدمی نیز امتداد می‌یابد و آن‌را به پروژه‌های بازنانشانه تبدیل می‌کند و بر بسیاری از ارزش‌ها، گرایش‌ها و تصمیمات افراد تأثیر می‌گذارد.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، در فرایند بازناندیشی، افکار و گفتمان‌های مسلط جامعه به چالش کشیده شده و بسیاری از ارزش‌های سابق، با ارزش‌های جدیدی جایگزین می‌شود. بازننگری و تأمل‌های صورت‌گرفته در بسیاری از هنجارها، ارزش‌ها و باورهای افراد، عامل تردید زنان در پذیرش کلیشه‌ها و نگرش‌های جاافتاده گذشته می‌شود، از این‌رو دیگر روابط بر پایه‌ی ارزش‌ها و ملاک‌های سنتی نبوده و مرزبندی‌های بین تعاریف قبلی مفاهیم زنانه و مردانه، مبهم و نامشخص می‌شود و بنابراین دیگر هویت زنان صرفاً بر مبنای نقش‌های شخصی و اجتماعی از قبل تعریف شده نیست. زنان با کسب آگاهی از حقوق خود و شیوه‌های نوین زندگی، هویت‌های سنتی و ثابت قبلی خود را مورد سوال قرار داده و به شکل‌گیری هویت جنسیتی جدیدی در قالبی فراتر از زندگی خانوادگی و خصوصی اقدام نموده‌اند. در فرایند بازناندیشی زنان حتی از بدن خود نیز به‌عنوان ابزاری برای نمایش اثبات هویت جنسیتی‌شان استفاده می‌کنند. در این پژوهش به استناد آرای گیدنز و اینگلهارت فرض بر این است که زنانی که در فرایند بازناندیشی به تساوی حقوق دو جنس در زمینه‌های عمومی و خصوصی، بازتعریف نقش‌ها و هویت‌های جاری و نیز خود تحقیق‌بخشی ظاهری گرایش بیشتری داشته باشند، رفتار باروری پایین‌تری دارند. به‌عبارتی انتظار می‌رود، هر چه زنان بیشتر به بازناندیشی و بازتعریف هویت جنسیتی سنتی خود پردازند، مقاومت آنان در برابر پذیرش کلیشه‌های جنسیتی و

نقش‌های جنستی جاافتاده جامعه، بیشتر شود و کلیشه‌های سنتی مرتبط با فرزندآوری را نیز نپذیرند و با نگرشی مدرن به نقش‌های مادری و خانگی خود و مدیریت بدن خود بنگرند و تعداد فرزند خود را کاهش دهند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه نظری، مدل نظری تحقیق در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق و ارتباط بین متغیرهای پژوهشی

با توجه به مبانی نظری و اهداف پژوهش فرض می‌گردد هر چه نگرش به هر یک از متغیرهای ۶ گانه مطالعه (کلیشه‌های جنسیتی، برابری طلبی جنسیتی، هویت مادری، تقسیم کار خانگی، مدیریت بدن، اولویت‌های فردی) مدرن‌تر باشد، تعداد فرزندان فعلی زنان کاهش یابد.

روش و داده‌های تحقیق

این پژوهش از نظر زمان، مقطعی؛ از نظر هدف؛ کاربردی و به لحاظ اجرا؛ پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را زنان ۱۸-۴۴ ساله همسر دار ساکن در مناطق شهری شهرستان کاشان، تشکیل داده‌اند که دارای پرونده در سامانه سیب می‌باشند. بر مبنای اطلاعات سامانه یکپارچه وزارت بهداشت (سیب) در ابتدای سال ۱۴۰۱ معادل ۵۰۲۸۸ نفر بودند. حجم نمونه مطابق با فرمول کوکران، ۳۸۵ نفر محاسبه شد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای در بین مراجعین به پایگاه‌های سلامت مناطق شهری کاشان انجام شد. این شهرستان، دارای ۳۳ پایگاه سلامت شهری است. خوشه‌بندی‌ها بر مبنای مقدار شاخص باروری کلی سال ۱۴۰۰ هر پایگاه و در قالب ۳ خوشه (پایگاه‌های سلامت با میزان باروری کل زیر ۱/۵، شامل شش پایگاه؛ با میزان باروری کل ۱/۵ تا ۱/۷۹، شامل ۱۶ پایگاه؛ با میزان باروری کل ۱/۸ و بیشتر، شامل ۱۱ پایگاه) انجام شد. تعداد نمونه اختصاص شده به هر یک از هر یک از خوشه‌ها، به نسبت جمعیت هر خوشه از کل جمعیت جامعه آماری محاسبه گردید. بر این اساس حجم نمونه برای خوشه اول ۵۳ نفر، خوشه دوم ۱۷۳ و خوشه سوم ۱۵۹ نفر برآورد شد. نمونه‌ها در هر خوشه، به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. با توجه به دسترسی به شماره تماس پاسخگویان در پایگاه‌های سلامت، هماهنگی جهت تکمیل حضوری پرسش‌نامه‌ها، صورت گرفت.

اطلاعات، با پرسش‌نامه محقق‌ساخته مشتمل بر دو بخش اطلاعات متغیرهای کنترلی و نگرشی جمع‌آوری گردید. متغیرهای کنترلی یا زمینه‌ای تحقیق شامل سن، سن هنگام ازدواج، تحصیلات، وضعیت اشتغال و متوسط درآمد ماهانه خانوار بودند. متغیر وابسته تحقیق حاضر، رفتار باروری است که برای سنجش آن، از سوال «تعداد فرزندان در حال حاضر زنده» استفاده شد. متغیرهای مستقل پژوهش گزیده‌ای از شاخصه‌های هویت جنسیتی شامل کلیشه‌های جنسیتی (تحصیلی، شغلی و خانوادگی)، برابری طلبی جنسیتی، هویت یا نقش مادری، تقسیم‌کار خانگی، مدیریت بدن (ظاهر بدن و تناسب اندام) و اولویت‌های فردی بودند. این متغیرها با

طرح سوالاتی در قالب طیف لیکرت پنج سطحی از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم و یا خیلی زیاد تا خیلی کم اندازه‌گیری شدند. سوالات مربوط به متغیرها، اکثراً از پژوهش‌های کمی و نیز یافته‌های مطالعات کیفی پیشین، گردآوری شدند. اعتبار اولیه پژوهش، به طریق صوری و با اعمال نظرات اصلاحی تعدادی از متخصصین و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم اجتماعی و سلامت در خصوص سوالات پرسش‌نامه تأمین شد. سپس، با تکمیل آن در قالب پیش‌آزمون توسط ۳۰ نفر از افراد مطالعه، اعتبار سازه گویه‌های هر متغیر با تحلیل عاملی تأییدی بررسی و همزمان پایایی متغیرهای مفهومی مدل نیز با آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. نتایج بیانگر ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ در تمامی گویه‌های متغیرهای مستقل تحقیق بود. گویه‌های مورد استفاده و میزان بار عاملی هر کدام در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با متغیرهای مستقل پژوهش

شماره پرسشنامه	سوالات	بار عاملی	شماره پرسشنامه	سوالات	بار عاملی
کلیشه‌های تحصیلی	تحصیلات دانشگاهی برای زنان به اندازه مردان نیاز نیست.	۰/۳۷	۰/۸۵	زنان باید مانند مردان از دیه برابر برخوردار باشند.	۰/۸۵
	ازدواج برای زنان باید در اولویت بالاتری نسبت به تحصیلات دانشگاهی باشد.	۰/۸۹	۰/۸۳	زنان باید مانند مردان، از سهم ارث برابر برخوردار باشند.	۰/۸۳
	فرزندآوری برای زنان باید در اولویت بالاتری نسبت به تحصیلات دانشگاهی باشد.	۰/۸۳	۰/۵۴	فرصت‌های شغلی - اجتماعی در جامعه (استخدام، بازار کار آزاد و ...) باید برای زنان و مردان برابر باشد.	۰/۵۴
	تحصیل در رشته‌هایی مانند معلمی، پرستاری، طراحی و دوخت و ... که به خانه‌داری و تربیت کودک کمک می‌کنند برای زنان مناسب‌تر است.	۰/۵۳	۰/۷۴	زنان باید به اندازه مردان از آزادی‌های فردی، اجتماعی (ظاهر و پوشش، آزادی در معاشرت و ...) برخوردار باشند.	۰/۷۴
	زنان توانایی انجام کارهای مدیریتی و	۰/۴۵	۰/۵۷	تا چه اندازه موافق تغییر قوانین	۰/۵۷

بار عاملی	سوالات	پاسخ	بار عاملی	سوالات	پاسخ
	فعلي ازدواج و طلاق و برابري حق زنان با مردان در امور مرتبط با ازدواج و حق طلاق هستيد؟			شغلي رده بالا را به مانند يك مرد ندارند.	
۰/۴۸	مادر بودن يا شدن عامل كسب هویت و جایگاه با ارزش تری نسبت به زمان بی فرزندی است.		۰/۵۱	برخی مشاغل مختص مردان است و زنان نباید وارد این مشاغل شوند.	
۰/۶۶	تصور زندگی بدون فرزند برای من غیرممکن است.		۰/۷۱	در صورت تامین هزینه زندگی توسط همسر، نیازی به فعالیت‌های شغلی - درآمدی مستقل زنان نیست.	
۰/۸۱	انجام وظایف مادری از اولویت‌های برنامه زندگی من است.	۴ ۳ ۲ ۱	۰/۷۴	اشتغال زنان و صرف وقت برای فعالیت‌های اجتماعی خارج از منزل، عامل غفلت از وظایف همسری و مادری زنان می‌شود.	
۰/۹۱	مادری یا مادرشدن از لذت بخش‌ترین امور زندگی من است.		۰/۶۹	مادران غیرشاغل که تمام وقت در خانه هستند، فرزندان بهتری تربیت می‌کنند.	
۰/۸۸	من به مادر بودن یا شدن خود افتخار می‌کنم و آن را دوست دارم.		۰/۶۸	بهتر است یک مادر تا زمانی که فرزندان کوچک‌اند در خانه بماند و کار نکند.	
۰/۶۴	تا چه اندازه تمایل به تاتو یا خالکوبی بدنتان دارید؟		۰/۶۲	کار و وظیفه اصلی مردان کسب درآمد و زنان، خانه‌داری است.	
۰/۶۱	تا چه اندازه تمایل به استفاده از لنزهای غیرطبیعی، نگین یا حلقه در آرایش ظاهر خود دارید؟		۰/۶۵	در تصمیم‌گیری‌های خانواده، بهتر است مردان تصمیم آخر را بگیرند.	
۰/۸۰	تا چه اندازه تمایل به کاشت مژه، ناخن، ابرو و .. دارید؟	۴ ۳ ۲ ۱	۰/۵۵	بهتر است تصمیم درباره تعداد فرزندان و نحوه تربیت آنان توسط مردان انجام گیرد.	
۰/۵۵	تاچه اندازه تمایل به پوشیدن لباس‌های مطابق مد روز و دارای		۰/۵۸	زن ایده‌آل زنی است که وظایف خانگی، همسری و مادریش در اولویت برنامه	کلیشه‌های خانوادگی (منازعات با همسر)

بار عاملی	سوالات	نوع سوال	بار عاملی	سوالات	نوع سوال
	جلوه زیاد دارید؟			زندگی اش باشد.	
۰/۶۶	تا چه اندازه تمایل به تزریق و جراحی‌های زیبایی صورت دارید؟		۰/۶۳	یک زن باید برای حفظ زندگی خود بدرفتاری همسرش را تحمل کند.	
۰/۳۷	تا چه اندازه حفظ زیبایی و تناسب‌اندام برای شما از داشتن فرزند بیشتر، مهم‌تر است؟		۰/۴۰	انتخاب پوشش ظاهری و سطح ارتباطات زنان در اجتماع باید با توافق همسر باشد	
۰/۸۶	تا چه اندازه به نوع رژیم غذایی‌تان برای حفظ و داشتن تناسب‌اندام‌تان توجه دارید؟	نوع سوال توانایی اندام	۰/۸۸	مردان باید در کلیه امور داخلی و بیرونی مرتبط با منزل مانند آماده کردن غذا، نظافت، خرید و.... به زنان کمک کنند.	نوع تقسیم‌کار خانگی
۰/۶۷	تا چه اندازه به انجام داشتن فعالیت‌های ورزشی به منظور تناسب‌اندام‌تان توجه دارید؟		۰/۹۴	مردان باید در کلیه امور مرتبط با فرزندان مانند غذا دادن، پرستاری در بیماری، سرگرم کردن و امور درسی آنان به زنان کمک کنند.	
			۰/۴۶	انجام کارهای خانگی و بچه‌داری از شان مردان می‌کاهد و باید توسط زنان انجام شود.	
			۰/۵۰	تحصیلات دانشگاهی و ادامه آن برای من اهمیت بالایی دارد.	اولین اهداف فردی
			۰/۷۲	کسب و حفظ جایگاه و هویت اجتماعی برای من به اندازه هویت مادری و همسری مهم است.	
			۰/۸۷	داشتن شغل به منظور کسب هویت و جایگاه اجتماعی، برای من مهم است.	

یافته‌های تحقیق

در جدول ۲ نتایج تک‌متغیره هر یک از متغیرهای تحقیق آمده است. مطابق با اطلاعات جدول، میانگین سن فعلی و سن هنگام ازدواج زنان مطالعه به ترتیب ۳۴ و ۲۲ سال است. حدود ۵۵٪ یک فرزند یا کمتر و تنها حدود ۱۲٪ بالای ۲ فرزند دارند. میانگین تعداد فرزندان فعلی زنان مطالعه برابر ۱/۵ و حداکثر تا ۵ فرزند دارند. ۶۶٪، تحصیلات دانشگاهی داشتند و اکثریت با حدود ۶۳٪ غیرشاغل (خانه‌دار) هستند. ۲۱٪ زنان، نظر بر ضعیف بودن متوسط درآمد خانوارشان دارند.

نتایج تک‌متغیره متغیرهای نگرشی در جدول ۲ همچنین نشان داد که میانگین نمرات متغیرهای نگرش به کلیشه‌های جنسیتی، کلیشه‌های تحصیلی و کلیشه‌های خانوادگی، برابری طلبی جنسیتی، تقسیم‌کار خانگی، تناسب اندام، اولویت‌های فردی (به ترتیب: ۱۲/۵، ۱۹/۴، ۲۰/۶، ۱۸/۱، ۱۳/۳، ۶/۴، ۱۰/۴) بیشتر از حداکثر نمره‌ای است (به ترتیب: ۲۰، ۳۰، ۳۰، ۲۰، ۱۰، ۱۵) که پاسخگویان می‌توانستند در این متغیرها کسب کنند؛ بنابراین نگرش پاسخگویان به این متغیرها بیشتر مدرن است. این یافته‌ها نشان می‌دهد زنان مطالعه، به تقابل با کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه پرداخته‌اند. این سطح بالای میانگین نمرات نگرش در متغیرهای فوق در نگرش به متغیرهای مدیریت ظاهر بدن و هویت مادری دیده نشد، به طوری که در این دو متغیر به میزان پایین نگرش مدرن در زنان مواجه هستیم؛ به طوری که میانگین نمرات متغیرهای نگرش به هویت مادری و مدیریت ظاهر بدن (به ترتیب: ۹/۴، ۱۱/۲) و کمتر از حداکثر نمره‌ای (به ترتیب: ۲۵، ۳۰) است که پاسخگویان می‌توانستند در این متغیرها کسب کنند. این موضوع در نگرش به هویت مادری نشان می‌دهد هنوز بخش زیادی از زنان مطالعه، گرایش، علاقه و احساس خوشایندی به هویت یا نقش مادری دارند و در خصوص مدیریت ظاهر بدن نیز به نظر می‌رسد که این موضوع متاثر از بافت مذهبی شهرستان کاشان باشد.

جدول ۲: توزیع آماری و توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر - طبقات متغیرها	درصد	متغیر - طبقات متغیرها	درصد
سن ازدواج		سن	
میانگین سن ازدواج	۶	۱۸-۲۴ سال	۲۲
کمترین سن ازدواج	۴۸	۲۵-۳۴ سال	۱۲
بیشترین سن ازدواج	۴۶	۳۴-۴۴ سال	۳۵
سطح تحصیلات		میانگین سنی	
دانشگاهی	۳۴		
غیردانشگاهی	۱۵	تعداد فرزندان زنده فعلی	
وضعیت اشتغال		۰	
		۱	
		۲	
		۳ و بیشتر	
		میانگین تعداد فرزندان	
		۱/۴۳	
هویت مادری		درآمد ماهانه خانوار	
میانگین نمره	۲۱	ضعیف	
حداقل نمره	۶۷	متوسط	
حداکثر نمره	۱۱	خوب	
تقسیم‌کار خانگی		کلیشه‌های تحصیلی	
میانگین نمره	۱۲/۵	میانگین نمره	
حداقل نمره	۴	حداقل نمره	
حداکثر نمره	۲۰	حداکثر نمره	
مدیریت ظاهر بدن		کلیشه‌های شغلی	
میانگین نمره	۱۹/۴	میانگین نمره	
حداقل نمره	۶	حداقل نمره	
حداکثر نمره	۳۰	حداکثر نمره	
مدیریت تناسب‌اندام		کلیشه‌های خانوادگی	
میانگین نمره	۲۰/۶	میانگین نمره	
حداقل نمره	۶	حداقل نمره	
حداکثر نمره	۳۰	حداکثر نمره	
اولویت‌های فردی		برابری طلبی جنسیتی	
میانگین نمره	۱۸/۱	میانگین نمره	
حداقل نمره	۵	حداقل نمره	
حداکثر نمره	۲۵	حداکثر نمره	

در جدول ۳ و ۴ نتایج تحلیل دو متغیره فرضیات پژوهشی آمده است. مطابق یافته‌ها بین تعداد فرزندان فعلی زنان با سن آنان رابطه آماری معنادار وجود دارد. این بدین معناست که هرچه سن زنان بیشتر باشد، تعداد فرزندان زنده فعلی آنان بیشتر است. بین تعداد فرزندان زنده فعلی زنان با سن هنگام ازدواج آنان رابطه آماری معنادار معکوس وجود دارد. به این معنا که هرچه سن زنان در هنگام ازدواج بالاتر باشد، تعداد فرزندان فعلی آنان کمتر است. بین تعداد فرزندان فعلی زنان با سطح تحصیلات دانشگاهی و غیردانشگاهی، تفاوت آماری معنی‌دار وجود دارد و در زنان با تحصیلات غیردانشگاهی بیشتر است. تعداد فرزندان زنان غیرشاغل (خانه‌دار) از زنان شاغل بیشتر است و به لحاظ آماری تفاوت معنادار بین این دو گروه وجود دارد. بین گروه‌های مختلف درآمدی خانوار تفاوت معناداری از لحاظ تعداد فرزندان مشاهده نشد.

جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین‌های تعداد فرزندان برحسب طبقات هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	طبقات متغیر	میانگین تعداد فرزندان فعلی	t/f	sig
تحصیلات	دانشگاهی	۱/۲۳	t=-۶/۱۸۰	۰/۰۰۰
	غیردانشگاهی	۱/۸۲		
وضعیت اشتغال	شاغل	۱/۲۳	t=-۳/۳۱۸	۰/۰۰۱
	غیرشاغل	۱/۵۵		
درآمد ماهانه خانوار	ضعیف	۱/۳۵	f=۱/۵۲۰	۰/۲۲۰
	متوسط	۱/۳۹		
	خوب	۱/۵۹		

بررسی ارتباط متغیرهای نگرشی پژوهش با متغیر وابسته از طریق آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۴ نشان از تایید رابطه آماری معنادار معکوس بین تک‌تک این متغیرها با تعداد فرزندان فعلی زنان دارد. این یافته بدین معناست که هرچه نمره هر یک از شش متغیر نگرشی در پاسخگویان بالا می‌رود، گرایش به مدرن‌تر شدن پیدا می‌کند و تعداد فرزندان فعلی آنان کمتر می‌شود. از بین متغیرهای نگرشی تنها هویت مادری و برابری طلبی جنسیتی دارای ضریب

همبستگی متوسط (۰.۳۱۳-) بودند و در سایر متغیرها این همبستگی ضعیف بود. به‌طورکلی می‌توان گفت رابطه آماری دو متغیره بین کلیه متغیرهای مستقل پژوهش به غیر از متوسط درآمد خانوار با تعداد فرزندان فعلی زنان تایید شد.

جدول ۴: آزمون پیرسون سایر متغیرهای مستقل تحقیق و تعداد فرزندان

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	sig
سن	۰/۵۲۱	۰/۰۰۰
سن هنگام ازدواج	-۰/۲۹۰	۰/۰۰۰
کلیشه‌های تحصیلی	-۰/۳۱۳	۰/۰۰۰
کلیشه‌های شغلی	-۰/۲۵۶	۰/۰۰۰
کلیشه‌های خانوادگی	-۰/۲۹۵	۰/۰۰۰
برابری طلبی جنسیتی	-۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
هویت مادری	-۰/۳۱۳	۰/۰۰۰
تقسیم‌کار خانگی	-۰/۱۲۴	۰/۰۱۳
مدیریت ظاهر بدن	-۰/۲۳۳	۰/۰۰۰
مدیریت تناسب‌اندام	-۰/۱۳۵	۰/۰۰۹
اولویت‌های فردی	-۰/۲۲۵	۰/۰۰۰

در جدول ۵ نتایج تحلیل چندمتغیره متغیرهای تحقیق و ضرایب اثر مستقیم آن‌ها آمده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در مدل اول متغیرهای کنترل یا زمینه‌ای شامل سن، سن ازدواج، تحصیلات، وضعیت اشتغال و درآمد خانوار وارد مدل رگرسیونی خطی شدند. لازم به ذکر است متغیرهای اسمی جهت ورود به مدل رگرسیون خطی چندمتغیره به متغیر ظاهری تبدیل شدند. متغیرهای کنترلی توانسته‌اند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر تعداد فرزندان فعلی زنان پاسخگو را تبیین کنند.

جدول ۵: تحليل چندمتغيره متغيرهای تحقيق با تعداد فرزندان فعلی زنان با استفاده از رگرسيون

خطی چندمتغيره

مدل ۲			مدل ۱			متغيرهای مستقل
sig	t	Beta	sig	t	Beta	
۰/۰۰۰	۱۱/۴	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰	۱۲/۸۹۰	۰/۵۷۳	سن
۰/۰۰۰	-۶/۸	-۰/۳۱۱	۰/۰۰۰	-۷/۴۷۷	-۰/۳۴۱	سن ازدواج
۰/۳۶۱	۰/۹۱۶	۰/۰۴۷	۰/۱۲۳	۱/۵۴۵	۰/۰۷۷	تحصيلات غيردانشگاهی (مرجع دانشگاهی)
۰/۸۵۲	-۰/۱۸۷	-۰/۰۰۹	۰/۲۶۶	۱/۱۱۴	۰/۰۵۱	وضعيت اشتغال غيرشاغل (مرجع شاغل)
۰/۷۱۳	-۰/۳۶۸	-۰/۰۲۲	۰/۵۸۳	۰/۵۴۹	-۰/۰۳۴	درآمد ضعيف
۰/۰۶۳	-۱/۸۶	-۰/۱۰۹	۰/۰۸۹	-۱/۷۰۵	-۰/۱۰۳	درآمد متوسط
۰/۸۲۹	-۰/۲۱۶	-۰/۰۱۲				کليشه‌های تحصيلی
۰/۴۳۱	-۰/۷۸۸	-۰/۰۵۲				کليشه‌های شغلی
۰/۳۵۵	-۰/۹۲۷	-۰/۰۵۴				کليشه‌های خانوادگی
۰/۵۳۰	-۰/۶۲۹	-۰/۰۳۳				برابری طلبی جنسیتی
۰/۰۱۱	-۲/۵۶	-۰/۱۲۳				هویت مادری
۰/۶۴۱	-۰/۴۶۷	-۰/۰۲۱				تقسیم کار خانگی
۰/۳۵۲	-۰/۹۶۳	-۰/۰۴۵				مدیریت ظاهر بدن
۰/۴۸۴	-۰/۷۰۰	-۰/۰۳۱				مدیریت تناسب اندام
۰/۶۵	-۱/۸۵	-۰/۰۸۷				اولویت‌های فردی
Enter			Enter			Method
۳۱۹			۳۱۹			N
۰/۷۱۱			۰/۶۶۷			R
۰/۴۸۱			۰/۴۳۴			Adjusted R Square
۲۰/۶۳۶			۴۱/۵۶۳			F
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			Sig

در مدل دوم (جدول ۵) علاوه بر متغيرهای کنترلی، متغيرهای نگرشی نیز به روش همزمان به مدل وارد شدند. در این مدل و در حضور متغيرهای کنترلی، تنها متغير نگرشی که معناداری خود را حفظ کرده، متغير نگرش به هویت مادری با ضریب رگرسيونی استاندارد (-۰/۱۲۳)

است. با ورود متغیرهای نگرشی به مدل، ضریب تعیین تعدیل شده به ۴۸ درصد افزایش یافت و به عبارتی می‌توان گفت متغیرهای هویت جنسیتی بازنایشانه توانسته‌اند حدود ۵ درصد از تغییرات متغیر تعداد فرزندان فعلی زنان پاسخگو را تبیین کنند. در مجموع مطابق با نتایج مدل دوم، تنها متغیرهای سن، سن ازدواج و نقش مادری بر تعداد فرزندان زنده فعلی زنان تاثیرگذار بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش نمره نگرش به هویت مادری و به عبارتی مدرن‌تر شدن آن، تعداد فرزندان فعلی زنان کاهش یافته است. همچنین تعداد فرزندان فعلی زنان با بیشتر شدن سن آنان، بیشتر ولی با بالا رفتن سن هنگام ازدواج آنان، کمتر می‌شود.

جدول ۶: تحلیل چندمتغیره متغیرهای تحقیق با نگرش به هویت مادری با استفاده از رگرسیون

خطی چندمتغیره

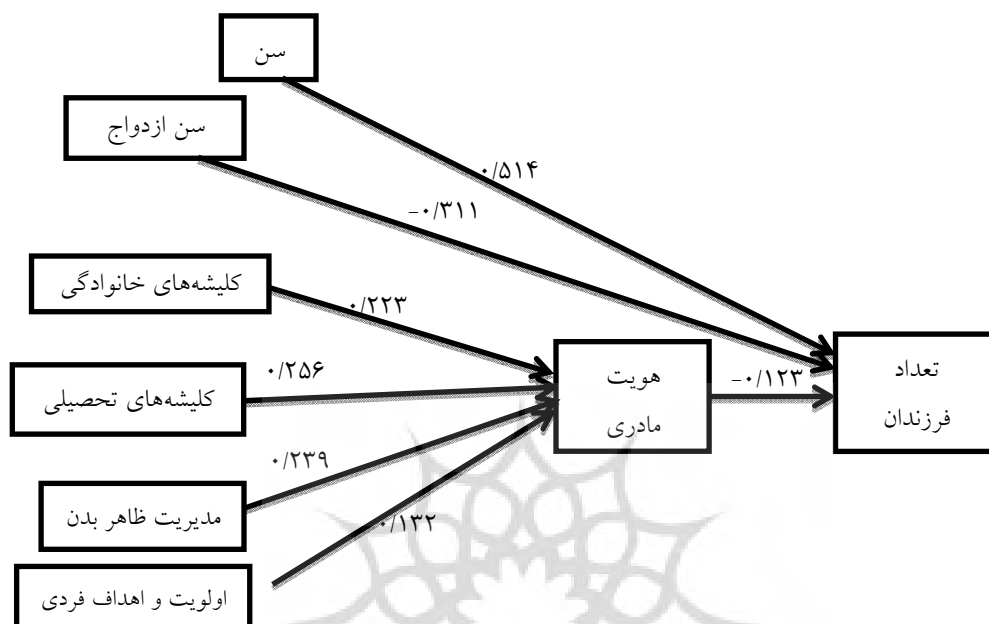
متغیرهای مستقل	b	Beta	T	sig
تحصیلات غیردانشگاهی (مرجع دانشگاهی)	۰/۰۳۶	۰/۰۰۴	۰/۰۷۳	۰/۹۴۲
وضعیت اشتغال غیرشاغل (مرجع شاغل)	-۰/۲۳۸	-۰/۰۲۸	-۰/۵۱۶	۰/۶۰۶
کلیشه‌های تحصیلی	۰/۲۸۴	۰/۲۵۶	۳/۸۷۰	۰/۰۰۰
کلیشه‌های شغلی	۰/۰۴۹	۰/۰۶۰	۰/۸۸۳	۰/۳۷۴
کلیشه‌های خانوادگی	۰/۲۰۴	۰/۲۲۳	۲/۸۶۳	۰/۰۰۴
برابری طلبی جنسیتی	-۰/۰۷۷	-۰/۰۸۶	-۱/۳۹۰	۰/۱۶۵
تقسیم کار خانگی	-۰/۱۶۷	-۰/۰۷۶	-۱/۴۰۴	۰/۱۶۱
مدیریت ظاهر بدن	۰/۲۲۶	۰/۲۳۹	۴/۲۷۶	۰/۰۰۰
مدیریت تناسب‌اندام	۰/۱۱۹	۰/۰۵۷	۱/۰۷۰	۰/۲۸۶
اولویت‌های فردی	۰/۲۰۷	۰/۱۳۲	۲/۳۶۷	۰/۰۱۹
		Enter		
		۳۱۹		N
		۰/۵۱۷		R
		۰/۲۴۳		Adjusted R Square
		۱۱		F
		۰/۰۰۰		Sig

با توجه به مبانی نظری پژوهش و به منظور بررسی اثرگذاری تغییرات نگرشی متغیرهای مطالعه بر نگرش به هویت مادری، متغیرهای نگرشی پژوهش به همراه دو متغیر تحصیلات و اشتغال به‌طور همزمان وارد مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره شدند. نتایج جدول ۶ نشان داد متغیرهای معنادار مدل، توانسته‌اند ۲۴٪ تغییرات نگرش به هویت مادری در پاسخگویان را تبیین کنند. به ترتیب چهار متغیر نگرشی کلیشه‌های تحصیلی با ضریب رگرسیونی استاندارد (۰/۲۵۶)، مدیریت ظاهر بدن با ضریب رگرسیونی استاندارد (۰/۲۳۹)، کلیشه‌های خانوادگی با ضریب رگرسیونی استاندارد (۰/۲۲۳) و اولویت و اهداف فردی با ضریب رگرسیونی استاندارد (۰/۱۳۲) با متغیر نگرش به هویت مادری ارتباط معنادار نشان دادند و رابطه سایر متغیرهای نگرشی کلیشه‌های شغلی، برابری طلبی جنسیتی، تقسیم‌کار خانگی و مدیریت تناسب انجام تایید نشد.

جدول ۷ به ارایه نتایج مجموع اثرات متغیرهای مستقل پژوهش، با توجه به مدل تحلیل مسیر پژوهش و نقش واسطه‌ای هویت مادری در اثرگذاری سایر متغیرهای نگرشی مدل می‌پردازد. مطابق با یافته‌های جدول ۷، متغیرهای سن، سن ازدواج و نگرش به هویت مادری به صورت مستقیم و متغیرهای نگرشی کلیشه‌های تحصیلی، کلیشه‌های خانوادگی، مدیریت ظاهر بدن و اولویت و اهداف فردی از طریق غیرمستقیم و به واسطه اثر بر هویت مادری بر تعداد فرزندان زنده پاسخگویان اثرگذار هستند. از بین متغیرهای مطالعه بالاترین اثر با ضریب رگرسیونی استاندارد (۰/۵۱۴) مربوط به سن پاسخگویان است. نتایج جدول ۷ در قالب مدل تحلیل مسیر در شکل ۲ نشان داده شده است.

جدول ۷: جمع اثرات متغیرهای مستقل پژوهش بر تعداد فرزندان فعلی پاسخگویان

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل اثر
سن	۰/۵۱۴	-	۰/۵۱۴
سن ازدواج	-۰/۳۱۱	-	-۰/۳۱۱
کلিশه‌های تحصیلی	-	کلیشه‌های تحصیلی ← هویت مادری (۰/۲۵۶) ← تعداد فرزندان زنده (-۰/۱۲۳)	-۰/۰۳۱ کل اثر غیرمستقیم: $(-۰/۱۲۳) \times (۰/۲۵۶) = (-۰/۰۳۱)$
کلیشه‌های خانوادگی	-	کلیشه‌های خانوادگی ← هویت مادری (۰/۲۲۳) ← تعداد فرزندان زنده (-۰/۱۲۳)	-۰/۰۲۷ کل اثر غیرمستقیم: $(-۰/۱۲۳) \times (۰/۲۲۳) = (-۰/۰۲۷)$
هویت مادری	-۰/۱۲۳	-	-۰/۱۲۳
مدیریت ظاهر بدن	-	مدیریت ظاهر بدن ← هویت مادری (۰/۲۳۹) ← تعداد فرزندان زنده (-۰/۱۲۳)	-۰/۰۲۹ کل اثر غیرمستقیم: $(-۰/۱۲۳) \times (۰/۲۳۹) = (-۰/۰۲۹)$
اولویت و اهداف فردی	-	اولویت و اهداف فردی ← هویت مادری (۰/۱۳۲) ← تعداد فرزندان زنده (-۰/۱۲۳)	-۰/۰۱۶ کل اثر غیرمستقیم: $(-۰/۱۲۳) \times (۰/۱۳۲) = (-۰/۰۱۶)$



شکل ۲. مدل تجربی تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

طبق گزارش مرکز آمار ایران، میزان باروری کشور در سال‌های اخیر روند کاهنده داشته و میزان باروری کل کشور در سال ۱۳۹۹ به عدد ۱/۷۱ رسیده است (فتحی، ۱۳۹۹). شهرستان کاشان نیز در سال‌های اخیر، روند کاهشی در میزان باروری کل داشته است. طبق آمار مرکز بهداشت این شهرستان، باروری کل شهرستان کاشان از ۱/۷۹ در سال ۱۳۹۵ به ۱/۶۹ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. به عقیده برخی صاحب‌نظران، رواج کم‌فرزندی و کاهش تمایل به فرزندآوری در سال‌های اخیر از پیامدهای گسترش مدرنیته در جوامع است. از طرفی گیدنز بر مفهوم بازنديشی به‌عنوان ویژگی اصلی کنش انسانی در دوران مدرنیته تاکید دارد. بازنديشی در عقاید و پرسش از کیستی خود در دنیای امروزی، گسترش الگوهای جدید هویتی و تقابل با الگوهای سنتی را به همراه داشته است. افزایش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و کسب هویت‌های جدید،

کاهش نگاه سنتی به خانواده و فرزندآوری به‌عنوان کارکرد اصلی مورد انتظار خانواده را به همراه داشته و آنان را به انتخاب آزادانه‌تر در حق داشتن یا نداشتن فرزند یا تعداد فرزند سوق داده است. در همین راستا مطالعه حاضر کوشیده است تا به بررسی رابطه و سازکارهای تاثیرگذار هویت جنسیتی بازاندیشانه با رفتار باروری زنان شهری شهرستان کاشان بپردازد.

یافته‌ها بیانگر آن است که میانگین نمرات متغیرهای نگرش به کلیشه‌های جنسیتی، کلیشه‌های تحصیلی و کلیشه‌های خانوادگی، برابری طلبی جنسیتی، تقسیم‌کار خانگی، تناسب‌اندام، اولویت‌های فردی بیشتر از حداکثر نمره‌ای است که پاسخگویان می‌توانستند در این متغیرها کسب کنند؛ بنابراین نگرش پاسخگویان به این متغیرها بیشتر مدرن است. این یافته‌ها نشان می‌دهد زنان مطالعه، به تقابل با کلیشه‌های جنسیتی سنتی در جامعه پرداخته‌اند. این در حالی است که نگرش به متغیرهای مدیریت ظاهر بدن و هویت مادری این امر کمتر دیده می‌شود، به طوری که در این دو متغیر به سطح پایین‌تر نگرش مدرن در زنان مواجه هستیم. این موضوع در نگرش به هویت مادری نشان می‌دهد هنوز بخش زیادی از زنان مطالعه، گرایش، علاقه و احساس خوشایندی به هویت یا نقش مادری دارند و در خصوص مدیریت ظاهر بدن نیز به نظر می‌رسد که با توجه به بافت مذهبی شهرستان کاشان، متاثر از این موضوع باشد. نتایج آزمون تحلیل دو متغیره متغیرهای نگرشی هویت بازاندیشانه، نشان از رابطه آماری معکوس بین کلیه این متغیرها با تعداد فرزندان زنده زنان مورد مطالعه دارد. بدین معنی که در زنان با نگرش مدرن‌تر به کلیشه‌های تحصیلی، کلیشه‌های شغلی، کلیشه‌های خانوادگی، برابری طلبی جنسیتی، هویت مادری، تقسیم‌کار خانگی، اولویت و اهداف فردی، مدیریت ظاهر بدن و تناسب‌اندام، تعداد فرزندان فعلی، کمتر است. یافته‌های تحلیل چندمتغیره با رگرسیون خطی چندمتغیره و نیز تحلیل مسیر نشان از آن دارد که از بین متغیرهای هویت جنسیتی بازاندیشانه تنها اثر مستقیم نگرش به هویت مادری، همچنان پابرجاست. متغیرهای نگرشی کلیشه‌های تحصیلی، کلیشه‌های خانوادگی، مدیریت ظاهر بدن و اولویت و اهداف فردی نیز از طریق غیرمستقیم و به واسطه اثر بر هویت مادری بر تعداد فرزندان فعلی زنان مطالعه اثر گذارند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که هویت مادری به‌عنوان نقش واسطه‌ای

در تأثیر غیرمستقیم سایر متغیرهای نگرشی تحقیق بر باروری عمل می‌کند. نتایج این مطالعه با یافته‌های تحقیق مک کویلان و دیگران (۲۰۱۵) هم‌خوانی بسیاری نشان داد که اهمیت مادری نقش مهمی را به‌عنوان میانجی‌گر روابط بین متغیرهای دیگر و نیت باروری ایفا می‌کند. در مطالعه مک‌کویلان و همکارانش هویت مادری واسطه ارتباط نیت باروری با همبسته‌های جمعیتی و اجتماعی مانند نگرش‌های جنسیتی، ارزش دادن به اوقات فراغت، ارزش دادن به شغل، دینداری و پیام‌های باروری خانواده بود. از نظر گیدنز نیز زنان هویت‌های سنتی جا افتاده گذشته را مورد تأمل و بازنديشي قرار داده و با به چالش کشاندن نقش‌های سنتی و بازتعریف جدیدی از هویت و نقش‌های جنسیتی، برای دستیابی به مسیرهای برابری جویانه‌تر تلاش کرده و در پی یافتن هویتی فراتر از نقش‌های مرتبط با خانه و خانواده مانند مادری و همسری هستند (گیدنز ۱۳۷۸). امروزه زنان دیگر هویت خود را فقط در خانواده، مفهوم مادری و فرزنددار شدن خلاصه نمی‌کنند. برای اکثریت زنان امروزی، هرچند زندگی خانوادگی (مادر و همسر خوبی بودن) همچنان در اولویت برنامه زندگی آنان قرار دارد؛ ولی آنان برای ایجاد توازن بین فرصت‌ها و خواسته‌های فردی با انتظارات خانوادگی و اجتماعی از آنان، یک فرزند و حداکثر دو فرزند را کافی می‌دانند. در این راستا سیاست‌گذاری‌های جمعیتی باید بر تقویت ارزش مادری از طریق گسترش تسهیلاتی مختلف متمرکز گردد تا در حد ممکن مسئله تعارض بین نقش‌های جنسیتی، کار خانگی و مادری و اشتغال زنان به حداقل ممکن تقلیل یابد. سیاست‌های افزایش جمعیت، باید چارچوب وسیعی از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را در بر بگیرند. سیاست‌های فرهنگی اجتماعی در حوزه خانواده، زمانی موفق خواهند بود که براساس رویکرد واقع‌بینانه به شرایط اجتماعی، برنامه‌ریزی و تعیین هدف شوند و در عین حفظ سازگاری با فرهنگ و ارزش‌های بنیادین، تغییرات را بپذیرد و با آن هماهنگ شود به‌گونه‌ای که با تغییر در سیاست‌های خانواده معطوف به الگوی خانواده سنتی مردسالار به کاهش نابرابری جنسیتی و اصلاح کلیشه‌های جنسیتی، ادای حقوق زنان در خانواده، ترویج همکاری مردان در امور داخل خانه به‌ویژه در نگهداری فرزندان، افزایش کیفیت زندگی منجر گردد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده دوم مقاله در رشته جمعیت‌شناسی است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از تمامی افرادی که در فرایند انجام پژوهش همکاری داشته‌اند؛ تشکر و قدردانی می‌کنند. پژوهش حاضر در چارچوب مصوبه کمیته ملی اخلاق در پژوهش به انجام رسیده و دارای شناسه اخلاق IR.ATU.REC.1401.041 می‌باشد.

منابع

- احمدنیا، شیرین، شرافت، شمیم و تقی‌خان، کیانا (۱۳۹۶). هویت‌یابی متمایز دختران نسل نو با تاکید بر تحصیلات دانشگاهی. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۳۶، ۱۰۷-۱۲۲.
- احمدی، علی‌یار، فیضی، میلاد و کریمی، حامد (۱۳۹۸). تعیین‌کننده‌های باروری زیر حد جایگزین زنان کُرد: مطالعه موردی زنان ۱۵-۴۹ ساله‌ی شهر سنندج. *زنان و خانواده*، ۱۴(۴۸)، ۹۷-۱۲۰.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. (ترجمه مریم وتر)، تهران: کویر.
- تقوایی‌فرد، لیلا، کریمی، مجیدرضا و راسخ، کرامت‌اله (۱۳۹۹). بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تأثیر آن بر نگرش آن‌ها نسبت به باروری: مورد مطالعه زنان در سنین باروری شهر جهرم. *زن و جامعه*، ۱۱(۴۳)، ۶۶-۴۷.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*، (ترجمه تورج یاراحمدی)، تهران: نشر شیرازه.
- چمنی، سولماز، مشفق، محمود و شکریگی، عالیه (۱۳۹۵). مطالعه‌ی چالش‌های فرزندآوری در شهر تهران با تأکید بر روش ترکیبی. *مطالعات جنسیت و خانواده*، ۳(۱)، ۹-۳۸.
- حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمدامین و عبادالهی چندائق، حمید (۱۳۹۵). جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۲۱، ۱۰۱-۱۳۵.

خلیج‌آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۶). نقش نگرش و تقسیم‌کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری زنان و مردان شهر تهران. *مطالعات جمعیتی*، ۵(۳)، ۹۵-۱۲۹.

دراهکی، احمد و نوبخت، رضا (۱۳۹۹). تأثیر برابری جنسیتی درون خانواده بر قصد فرزندآوری زنان نقاط شهری استان بوشهر. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۸(۱)، ۱۵۱-۱۷۲.

رازقی نصرآباد، حجیه‌بی‌بی، حسینی‌چاوشی، میمنت و عباسی‌شوازی، محمدجلال (۱۴۰۰). تأثیر نگرش و تقسیم‌کار جنسیتی روی فاصله‌ی تولد اول تا دوم در شهر تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۲)، ۱-۲۸.

رفعت‌جاه، مریم (۱۳۹۶). زنان جوان و بازتعریف معنا و نقش مادری: مطالعه مادران ۲۵-۴۰ ساله‌ی شهر ری. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۸(۴)، ۱۳۰-۱۶۴.

رفیعی‌مقدم، فاطمه و فتحی‌آشتیانی، علی (۱۳۹۹). کشف عوامل بازدارنده زوجین از فرزندآوری در دهه اخیر: مرور ساختارمند. *زنان و خانواده*. ۱۵(۵۳)، ۱۵۵-۱۷۵.

ساروخانی، باقر و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناسی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان. *پژوهش زنان*، ۲(۱)، ۷۱-۹۱.

سحابی، جلیل (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی: مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان. *مطالعه ملی*، ۱۱(۱)، ۱۳۵-۱۵۳.

سروش، مریم و بحرانی، شعله (۱۳۹۲). رابطه‌ی دینداری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۱(۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

شمس‌قهرخی، مهری (۱۳۹۴). برابری و عدالت جنسیتی و رفتارهای باروری در شهر اصفهان. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۰(۲۰)، ۹۵-۱۲۶.

طالبی، هانیه (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهانی‌شدن فرهنگ و هویت جنسیتی بازاندیشانه زنان: مطالعه‌ای در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س): دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

عباسی‌شوازی، محمدجلال و اسمعیلی، نصیبه (۱۴۰۰). رسانه، فرهنگ‌سازی و باروری: شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر باروری با استفاده از رویکرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی. *مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۱(۱)، ۱۷-۴۶.

فتحی، الهام (۱۳۹۹). چشم انداز به باروری ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹، تهران: دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.

فرشادی، فرزانه و وثوقی، منصور (۱۳۹۹). تحول معنای مادری و صورت‌بندی فرم‌های خانواده به میانجی بسترهای پزشکی در دوران معاصر. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۰(۲۰)، ۲۵۹-۲۸۶.

فروتین، یعقوب و کرمی، فرشاد (۱۳۹۵). الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۱(۲۱)، ۷۱-۱۰۰.

قدرتی، حسین، بوستانی، داریوش، قدرتی، اکرم و کلالی، احمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان: مطالعه موردی زنان متأهل ۲۰ تا ۴۰ ساله‌ی شهر سبزوار. *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۳(۱۱)، ۷۵-۹۱.

کاوه‌فیروز، زینب، عباسی‌شوازی، محمدجلال، سراج‌زاده، حسین و رمضی، نگار (۱۴۰۰). رابطه دینداری و ارزش‌های خانواده با تمایلات و قصد فرزندآوری در میان زنان متأهل شهر تهران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۱۰(۲)، ۵۸۷-۶۲۳.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی*، (مترجم منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر مدرنیته*، (مترجم ناصر موفقیان)، تهران: نشر نی.

محمودیان، حسین، کوچانی اصفهان، مسعود و مقدس، حسین (۱۳۹۴). مصرف رسانه، مدیریت بدن و رفتار باروری: مورد مطالعه زنان معلم یاسوج. *راهبرد فرهنگ*. ۸(۳۱)، ۱۷۳-۱۹۶.

محمودیان، حسین، و رضایی، مهدی (۱۳۹۱). زنان و کنش کم فرزندآوری: مطالعه‌ی موردی زنان گُرد. *مطالعات راهبردی زنان*. ۱۴(۵۵)، ۱۷۳-۲۲۵.

مدیری، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۲)، ۱۷۱-۲۰۲.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور. تهران.

Arpino, B., Esping-Andersen, G., & Passim, L. (2015), How Do Changes in Gender Role Attitudes Towards Female Employment Influence Fertility? A Macro-Level Analysis. *European Sociological Review*, 31(3): 370-382.

Dommermuth, L., Hohmann-Marriott, B., & Lappegard, T. (2013). Gender equality in the family and childbearing. *Discussion Papers*, No. 759, Statistics Norway, Research Department, Oslo.

Golmakani, N., Fazeli, E., Taghipour, A., & Shakeri, M.T. (2015). Relationship between gender role attitude and fertility rate in women referring to health centers in Mashhad. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research*, 20 (2): 269-274.

Inglehart, R (1971). The Silent Revolution in Europe: Intergenerational Change in Post-industrial Societies. *American Political Science Review*, 65: 991-1017.

Lappegard, T., Neyer, G., & Vignoli, D. (2021). Three dimensions of the relationship between gender role attitudes and fertility intentions. *Genus*, 77(15): 2-26.

Lesthaeghe, R. (2010). The Unfolding Story of the Second Demographic Transition, *Population and Development Review*, 36(2): 211-251.

McQuillan, J. Greil, A.L. Shreffler, K.M & Bedrous. A.V. (2015). The Importance of Motherhood and Fertility Intentions among U.S. Women. *Sociological Perspectives*.. 58(1): 20-35.

Miettinen, A. Basten, S., & Rotkirch, A. (2011). Gender equality and fertility intentions revisited: evidence from finland. *Demographic Research*, 24 (20): 469-496.

- Mitchell, D & Gray. E. (2007). Declining fertility: Intentions, attitudes and aspirations. *Journal of Sociology*; 43: 23-44.
- Sobot, A. (2019). Is the overturn of gender stereotypes the key to fertility increase in Serbia?. *Sociological Review*, 3: 1217-1240.
- The World Bank (2021). Total Fertility Rate Report. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/total-fertility-rate>
- Yoon, S-Y. (2016). Is gender inequality a barrier to realizing fertility intentions? Fertility aspirations and realizations in South Korea. *Asian Population Studies*, 12(2): 203-219.
- Zhou, M. (2017). Motherhood, employment, and the dynamics of women's gender attitudes. *Gender and Society*, 31(6), 751-776.

